ملاکهای انتخاب همسر در معلمان دختر درآستانه ازدواج (پژوهش کیفی)

لیلا شهرابی فراهانی[۱]
دکتر مریم فاتحی‌زاده[۲]
دکتر عذرا اعتمادی[۳]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف کشف ملاکهای معلمان دختر درآستانه ازدواج درباره انتخاب همسر انجام شده است. این مطالعه با روش کیفی و با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون انجام شده است. پژوهشگر با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۱۵ نفر از معلمان دختر مجرد ۱۸ تا ۳۰ ساله را در شهر تهران شناسایی و مورد مصاحبه قرار داد. همهٔ مصاحبه‌ها ضبط شده، سپس با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه به شناسایی دو مضمون اصلی ملاکهای فردی و ملاکهای زمینه‌ای انجامیده است. مضمون ملاکهای فردی دربرگیرندهٔ شش مضمون فرعی ملاکهای شخصیتی (مهربان بودن، عصبی نبودن، و ...)، ویژگیهای ظاهری (تناسب اندام، بلندی قد و ...)، ملاکهای سنی (نداشتن فاصله سنی زیاد و ...)، ملاکهای تحصیلی (اهل مطالعه بودن و ...)، ملاکهای اعتقادی (شباهت اعتقادی، پایبندی دینی و ...) و ملاکهای اقتصادی (توانایی تأمین مخارج زندگی، شباهت خانواده‌ها از نظر اقتصادی و ...) بود. مضمون ملاکهای زمینه‌ای نیز دربرگیرندهٔ چهار مضمون فرعی ملاکهای فرهنگی (تشابه قومیتی و ...)، ملاکهای مربوط به خانواده همسر (مشابه‌بودن خانواده‌ها و ...)، ملاکهای ارزشی (همسانی در ارزشهای اصلی و...) و ملاکهای سیاسی (پایبندی به نظام و ...) بود. یافته‌های به دست آمده، از طریق آشکارسازی ملاکهای مدنظر معلمان دختر مجرد برای انتخاب همسر و ازدواج، علاوه بر افزایش بینش نسبت به ملاکهای ازدواج در معلمان دختر مجرد، زمینه را برای تدوین برنامه‌های اصلاحی با هدف بهبود ملاکهای ازدواج این گروه و هماهنگ‌سازی آنها با واقعیتهای موجود و همچنین تسریع روند ازدواج در آنها فراهم کرده است.

کلیدواژگان: ملاک، همسرگزینی، معلمان مجرد، تحقیق کیفی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۱۶

۱. دانشجوی دکتری مشاوره خانواده،گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان shahrabi.leila@yahoo.com
۲. استاد گروه مشاوره ، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران(نویسنده مسئول) m.fatehizade@edu.ui.ac.ir
۳. دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، ایران O.etemadi@edu.ui.ac.ir

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

مقدمه

انتخاب همسر همواره بخشی از جامعه و شرایط اجتماعی است (باس، شاکلفورد، کرک‌پاتریک و لارسن[1]، ۲۰۰۱) و این انتخاب برای بسیاری از افراد جامعه از اهمیتی بالا برخوردار است. در برخی بافتهای اجتماعی، مانند ایران که در آن طلاق به عنوان ناتوانی افراد در اداره موقعیتهای شخصی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود(آسنجرانی، جزایری، فاتحی‌زاده، اعتمادی و دو مول[2]، ۱۳۹۷) انتخاب همسر بسیار مهم است. انتخاب همسر احتمالاً مهم‌ترین انتخابی است که فرد در زندگی خود انجام می‌دهد(پراکاش و سینگ[3]، ۲۰۱۴). اپنهایمر[4] (۱۹۸۸) ، معتقد است که انتخاب همسر با دو روش متفاوت انجام می‌شود. اولی زمانی است که فرد توانایی انتخاب جفت خود را براساس ویژگیهای مشابه و مکمل آن دارد، در حالی که در روش دوم ، انتخاب شریک زندگی فرد، براساس ارزشها، باورها و نگرشهای جامعه است. در حالی که روش اول در کشورهای در حال توسعه بیشتر غالب است، مورد دوم در نقشهای جنسیتی مشخص، رایج‌تر است(پراکاش و سینگ، ۲۰۱۴). معیارهای انتخاب همسر از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت است؛ به عبارت دیگر، انتخاب همسر، یک فرایند فرهنگی تعریف‌شده است(اونیل[5]، ۲۰۰۶).

مطالعات در مورد انتخاب همسر نشان می‌دهد که عوامل متعدد در فرایند انتخاب همسر وجود دارد، از جمله سن(بونک، دایکسترا، فچنهاور و کنریک[6]، ۲۰۰۲)، عوامل تندرستی[7] (بوتوین[8]، باس و شاکلفورد، ۱۹۹۷)، شکل بدن[9](سینگ و یانگ[10]، ۱۹۹۵)، عوامل اجتماعی(بوتوین و همکاران، ۱۹۹۷)، عوامل آموزشی(چوی و تیئندا[11]، ۲۰۱۷)، عوامل فرهنگی مانند دین و نوع لباس‌پوشیدن (بریث‌ویت[12] و همکاران، ۲۰۱۵)، عوامل روان‌شناختی(گوئو، فنگ و وانگ[13]، ۲۰۱۷)، زیبایی و عوامل جسمانی(فلچر، کر، لی و ولنتاین[14]، ۲۰۱۴)، عوامل ژنتیکی(زو[15] و همکاران، ۲۰۱۵)، شغل

1. Buss, Shackelford, Kirkpatrick & Larsen
2. De Mol
3. Prakash & Singh
4. Oppenheimer
5. O'Neil
6. Buunk, Dijkstra, Fetchenhauer & Kenrick
7. Health factors
8. Botwin
9. Body shape
10. Young
11. Choi & Tienda
12. Braithwaite
13. Guo, Feng & Wang
14. Fletcher, Kerr, Li & Valentine
15. Zou

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

و حرفه(لوییز[1]، ۲۰۱۶) و سایر عوامل موثر. اگر چه هر یک از این عوامل را در انتخاب همسر در فرهنگهای گوناگون می‌بینیم، آنها جهانی نیستند. اونیل (۲۰۰۶) بیان می‌کند که زیبایی جسمی یک فاکتور کلیدی است اگر عشق یک معیار مهم برای انتخاب شریک باشد، اگر چه مفهوم زیبایی در فرهنگهای گوناگون به صورت متفاوت تصور می‌شود. بسیاری از پژوهشگران معیارهای درگیر در فرایند انتخاب همسر را مورد بررسی قرار داده اند. برخی مطالعات نشان داده اند که اهمیت جذابیت فیزیکی و ظاهر فیزیکی مهم‌ترین مساله انتخاب همسر است (عبدالله، لی و دیوید[2]، ۲۰۱۱؛ بونک و همکاران،۲۰۰۲؛ هنکاک[3]، ۲۰۱۴).

باس و همکاران (۱۹۹۰) با یک نمونه از ۳۷ فرهنگ دریافتند که جذابیت فیزیکی در نامزدهای ازدواج بسیار ارزشمند است. همچنین گزارش شده‌است که افراد تمایل دارند به سلامت جسمی به‌عنوان یک معیار مهم دیگر نگاه کنند که به همین دلیل فرایند انتخاب همسر تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد (بونک و همکاران، ۲۰۰۲؛ مالکی[4]، ۲۰۰۹). به عنوان مثال، مالکی(۲۰۰۹) گزارش داد که ۸۳ درصد دانش آموزان اعلام کردند زمانی که به انتخاب همسر فکر می‌کنند سلامت جسمی مهم‌ترین عامل در انتخاب همسر است. همچنین اعتقاد بر این است که وضعیت مالی یکی دیگر از معیارهای مهم در انتخاب همسر است(بدادا وتیمان[5]،۲۰۰۹؛ بونک و همکاران، ۲۰۰۲). با توجه به پژوهشهای باس(۱۹۸۹) و باس و همکاران(۱۹۹۰) در ۳۶ کشور از ۳۷ کشور جهان، توانایی مالی خوب در فرایند انتخاب همسر بسیار ارزشمند است. علاوه بر این، مشخص شد که ۶۷ درصد از دانشجویان وضعیت مالی را به منزلهٔ یک معیار مهم برای انتخاب همسر خود گزارش داده اند.

سابقه آموزشی و تحصیلات یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر فرایند انتخاب همسر است. براساس یافته‌های مالکی (۲۰۰۹)، افرادی که تحصیل کرده اند، تمایل دارند فردی را انتخاب کنند که مانند خود تحصیل‌کرده باشد. انتخاب یک شریک با تحصیلات پایین‌تر ممکن است منبع چالشهای متعدد باشد (علوی، الله‌داد و شافق، ۲۰۱۴). آموزش مشابه نتیجه ارزشهای مشابه، اعتقادات و نگرشهای مشابه نسبت به زندگی است (اسیتلی، کنی و واینر[6]، ۲۰۰۱). مذهب و معنویت معیار دیگری برای انتخاب همسر است. بنابراین، برای نامزدهای همسری مهم است که باورهای مذهبی مشابهی داشته باشند(بدادا و تیمان، ۲۰۰۹).

1. Lewis
2. Abdullah, Li & David
3. Hancock
4. Maliki
5. Badahdah & Tiemann
6. Acitelli, Kenny & Weiner

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

با اینکه پیشینهٔ تجربی زیادی پیرامون ملاکهای انتخاب همسر در جوامع دیگر وجود دارد با این‌حال این پژوهشها در فرهنگی دیگر انجام شده و ممکن است با ملاکهایی که در فرهنگ ایرانی مورد تأکید قرار می‌گیرند، همخوانی و همسویی کافی نداشته باشد. از سویی هم پژوهشهای موجود محدودی که در این زمینه در جامعه ایران وجود دارد، در قالب کمّی انجام شده‌اند و با بهره‌گیری از ابزارهای ساختاریافته ملاکهای موجود را در افراد در آستانهٔ ازدواج یا ازدواج‌کرده مورد سنجش قرار می‌دهند. از این رو ضرورت دارد که با ایجاد فضایی باز برای افراد در آستانهٔ ازدواج و با بهره‌گیری از مصاحبه‌هایی عمیق و فاقد جهت، ملاکهای موجود را در این افراد به‌صورت جامع و کیفی واکاوی بکنیم. همچنین می‌بایست اذعان کرد که معلمان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین گروههای تشکیل‌دهنده جوامع‌اند که برای داشتن عملکرد مطلوب آموزشی، می‌بایست زندگی سازنده‌ای را در ابعاد مختلف از جمله حوزه زناشویی داشته باشند و از روند عملکرد خود در این زمینه رضایت داشته باشند، رضایتی که مستلزم داشتن انتخابی موفق است، انتخابی که تحقق‌پذیری آن مستلزم وجود شرایط گوناگون است که یکی از آنها می‌تواند بینش نسبت به ملاکهای ازدواج خود و اصلاح واقع‌بینانه آنها باشد. چنین واکاوی نه‌تنها ملاکهای موجود را دقیقاً مشخص می‌کند و آگاهی افراد (معلمان دختر مجرد) را از ملاکهای خویش برای ازدواج که قطعاً می‌تواند به انتخاب بهتر و موفق‌تر منجر شود، بالا می‌برد. بلکه زمینه را برای ایجاد اصلاحاتی ساختاری در ماهیت ملاکهای غیر واقع‌بینانه و مخرب نیز فراهم می‌کند. بنابراین این پژوهش بر آن است که ملاکهای انتخاب همسر را در معلمان دختر در آستانه ازدواج با بهره‌گیری از گفت‌وگوهایی عمیق و با تمرکز بر دنیای پدیدارشناسانه این گروه مورد واکاوی قرار بدهد.

روش

مطالعه حاضر به روش کیفی و با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون انجام‌شده است. تحلیل مضمون قالبی نظام‌مند و متداوم دارد که طی مراحل آشنایی با داده‌ها، تدوین کدهای اولیه، جست‌وجو برای مضامین، بازبینی مضمونها، تعریف و نام‌گذاری مضامین و تدوین گزارش، دستیابی به دنیای ذهنی مصاحبه‌شوندگان را ممکن ساخته است و اهداف تحقیق را تحقق می‌بخشد (علی‌مهدی و قربانی، ۱۳۹۴).

این پژوهش در شهر تهران انجام شده است. نمونه مورد بررسی معلمان دختر ۱۸ تا ۳۰ ساله در آستانه ازدواج بودند که با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. به این‌صورت که پژوهشگر ابتدا نامه‌ای از دانشگاه اصفهان دریافت کرد که به آموزش و پرورش شهر تهران ارائه داد

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

و با کسب مجوز از آموزش و پرورش به تعدادی از مدارس دخترانه شهر تهران مراجعه کرد و از طریق گفت‌وگو و مشاوره با مدیر هر مدرسه معلمان دختر مجرد ۱۸ تا ۳۰ سال را که تمایل به مشارکت در پژوهش داشتند، شناسایی کرد. طی این فرایند ۱۵ نفر از معلمان در قالبی کاملاً هدفمند شناسایی و برای مشارکت در پژوهش انتخاب شدند. با انتخاب هر فرد فرایند مصاحبه با وی آغاز شد و اطلاعات به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این روند ادامه پیدا کرد تا در مصاحبهٔ دوازدهم مشخص شد که اطلاعات به دست آمده تکرار اطلاعات قبلی است و مضامین جدید از آن استخراج نمی‌شود. برای اطمینان یافتن از اشباع اطلاعات، سه مصاحبه دیگر نیز گرفته شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تجزیه و تحلیلها نشان دادند که یافته‌ها به طور کامل اشباع شده‌اند و فرایند مصاحبه و تحلیل، یافتهٔ جدیدی را ارائه نمی‌کند. معیارهای ورود به پژوهش حاضر عبارت بودند از: جنسیت دختر، مجردبودن، معلم بودن، محدوده سنی ۱۸ تا ۳۰ سال، فقدان ناتوانی و یا نابهنجاری شناختی و روانی خاص (تشخیص از طریق مصاحبه) و تمایل به مشارکت در پژوهش. برای دستیابی به اطلاعاتی دقیق و جامع، مطالعه در حیطه‌ای گسترده انجام‌شد و مصاحبه‌شوندگان از مناطق گوناگون شهر تهران و با درنظرگرفتن تفاوتهای تحصیلی و سنی انتخاب شدند.

برای گردآوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده‌شد. برای تدوین سؤالات مصاحبه، ادبیات پژوهش مرور و با مشورت اساتید سؤالات در قالبی منسجم طراحی شد. مصاحبه‌ها با یک سؤال کلی در مورد ملاکهای انتخاب همسر شروع‌شد و درطول انجام گرفتن پژوهش از سؤالات کاوش‌گرانه مانند (می‌توانید دراین‌باره توضیح بیش‌تری بدهید؟ یا می‌شود منظورتان را واضح‌تر بیان بکنید؟) جهت دستیابی به جزییات و اطلاعات غنی‌تر استفاده‌شد. توالی پرسشها به فرایند مصاحبه و پاسخ هریک از مشارکت‌کنندگان بستگی داشت و برای همه شرکت‌کنندگان یکسان نبود. تعداد ۱۵ مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته انجام‌شد که هرکدام ۶۰–۷۵ دقیقه به طول انجامید. زمان مصاحبه (ساعت دقیق مصاحبه) و محل مصاحبه را پژوهشگر با توافق مشارکت‌کننده مشخص‌کرد. داده‌ها در طول یک دوره ۸ ماهه گردآوری، ثبت، کدگذاری و در قالب مضامین اصلی و فرعی طبقه‌بندی شدند.

این پژوهش، استخراجی از رساله دکتری رشته مشاوره دانشگاه اصفهان بود که پژوهشگر از کمیته اخلاقی دانشگاه مجوز دریافت کرده است. برای رعایت ملاحظات اخلاقی، پژوهشگر پس از اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و توضیح اهداف پژوهش، به آنها اطمینان داد که اطلاعات و هویت آنها کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند و امانتداری در متن مصاحبه رعایت خواهد شد. همچنین به آنها اطمینان داده شد که گفت‌وگوهای ضبط‌شده پس از پایان تحلیل و نگارش کامل

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

رساله پاک خواهندشد و بر آزادی خروج و عدم ادامهٔ همکاری شرکت‌کنندگان نیز تاکیدشد. برای تحلیل اطلاعات، از روش تجزیه و تحلیل مضمونی استفاده شد. هدف از تحلیل داده‌ها در این شیوه استخراج مفاهیم و سپس مضامین است. مضامین یک‌سری مشخصه‌های کلی هستند که معنای محوری مفاهیم، تشابهات و تفاوتها را بازنمایی می‌کنند. هر مضمون باید یک جزء متفاوت از پدیده را تشریح کند و تعداد مقوله‌ها نباید زیاد باشد بلکه حداقل تعداد مطرح‌است. فرایند تجزیه و تحلیل در این روش طی ۶ مرحله انجام می‌شود که عبارت‌اند از: آشنایی با داده‌ها، تدوین کدهای اولیه، جست‌وجو برای مضامین، بازبینی مضمونها، تعریف و نام‌گذاری مضامین و تدوین گزارش (علی‌مهدی و قربانی، ۱۳۹۴). براساس این روش متن مصاحبه‌ها پس از پیاده‌شدن روی برگه، چندین بار مرور شد تا شناختی کلی از آن حاصل شود. سپس برای هریک از متون مصاحبه خلاصهٔ تفسیری نوشته‌شد و نسبت به درک و استخراج معانی نهفته در آن اقدام شد. در ادامه پژوهشگران در استخراج مضامین به مشارکت و تبادل نظر پرداختند. مطالعه پیوسته خلاصه تفسیری مصاحبه‌ها و شناسایی عبارات و جملات همسو با هدف پژوهش، زمینه را برای استخراج گزاره‌های اولیه فراهم کرد. پس از استخراج گزاره‌های اولیه پژوهشگر فرایند تشابه‌یابی، مقایسه و ادغام را اجرایی کرد و گزاره‌های همسو را در کنار یکدیگر قرار داد و در قالب گزاره‌هایی جامع‌تر تحت‌عنوان زیرمضمون ترکیب کرد. با تداوم مصاحبه‌ها، زیرمضامینی که استخراج شده بودند، تکامل می‌یافتند و گاهی نیز زیرمضامین جدیدی شکل می‌گرفتند. برای روشن‌سازی، مقوله‌بندی و رفع تناقضهای موجود در تفسیر، فرایند بازگشت دوباره به متون صورت می‌گرفت و در هر مرحله با مقایسه و ادغام گزاره‌ها و زیرمضامین استخراجی، قالب تحلیل کلی‌تر و جامع‌تر می‌گشت و به این‌صورت پیوند میان خلاصه‌های تفسیری، گزاره‌های مفهومی و زیرمضامین برای دستیابی به نتیجهٔ نهایی به بهترین نحو ممکن صورت گرفت. در واقع در جریان تحلیل، مقوله‌بندی براساس تدوین خلاصه‌های تفسیری و مطالعه مکرر آن، استخراج گزاره‌ها، استخراج زیرمضامین و طبقه‌بندی و مقایسه آنها صورت گرفت. پس از استخراج گزاره‌ها و زیرمضامین، مضامین مشترک و مرتبط با هم، مضامین اصلی را شکل دادند و مضامین غیرمرتبط حذف شدند. همچنین برای بررسی ارتباط میان مقوله‌ها و یکپارچه کردن آنها از تلفیق تفکر قیاسی و استقرایی و حرکتی مداوم میان مفاهیم صورت گرفت و بر مبنای اصول نظری حاکم، زیرمضامین و مضامین اصلی نامگذاری‌شدند.

به‌منظور بررسی صحت و اعتبار یافته‌های حاصل از پژوهش از چهار شاخص اعتبار گوبا و لینکولن[1] (۱۹۸۹) استفاده شد(علی‌مهدی و قربانی، ۱۳۹۴). برای تضمین اعتبار داده‌ها پس از

1. Guba & Lincoln

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

تحلیل، متون مصاحبه هر فرد (تاحدی که ممکن بود) دوباره به وی داده شد و در صورت لزوم تغییرات لازم در آن اعمال شد. برای تضمین قابلیت تصدیق، سعی بر آن بود که پژوهشگر پیش‌فرضهای خود را تا حد امکان در فرایند گردآوری داده‌ها دخالت ندهد. برای تضمین قابلیت اطمینان و کفایت، از راهنمایی و نظارت همکاران و اساتید متخصص استفاده شد و متن مصاحبه برای بررسی فرایند تحلیل و مضمون‌بندیها در اختیار آنها قرار داده شد. به منظور افزایش قابلیت تعمیم یافته‌های پژوهشی، پژوهشگر تلاش کرد که برای مشارکت در پژوهش معلمانی از مناطق گوناگون شهر تهران و با سطح تحصیلی و سنی متفاوت انتخاب شوند.

یافته‌ها

همهٔ مشارکت‌کنندگان در پژوهش معلم، دختر و مجرد بودند، میانگین سنی آنها ۲۳/۶ سال بود. هفت نفر از مشارکت‌کنندگان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، سه نفر کارشناسی ارشد و نه نفر دانشجو بودند. تحلیل تجارب شرکت‌کنندگان پژوهش منجر به شناسایی ۱۰ زیرمضمون (طبقات فرعی) و ۲ مضمون یا طبقه اصلی (ملاکهای فردی و ملاکهای زمینه‌ای) در زمینهٔ دیدگاه معلمان دختر مجرد نسبت به ملاکهای انتخاب همسر شد که در جدول شماره ۱ ارائه شده‌است.

جدول ۱: مفاهیم و مضامین استخراج شده از تجزیه و تحلیل معلمان دختر مجرد در مورد ملاکهای همسرگزینی

مفاهیم اولیه	مضامین فرعی	مضمون اصلی
مهربان بودن، عصبی نبودن، انتقادپذیری، جدی و خشک نبودن، مسئولیت‌پذیر بودن، صداقت داشتن، صبور بودن، منطقی بودن و پختگی شخصیت.	ملاکهای شخصیتی	ملاکهای فردی
تناسب اندام، بلندی قد، صدای خوب و متعادل، جذابیت ظاهری.	ویژگیهای ظاهری	
بالای هجده سال بودن و نداشتن فاصله سنی زیاد.	ملاکهای سنی	
اهل مطالعه بودن، داشتن مدرک دانشگاهی و برخورداری از سواد آکادمیک.	ملاکهای تحصیلی	
شباهت اعتقادی، پایبندی دینی، داشتن ایمان دینی و احترام به تفاوتهای اعتقادی.	ملاکهای اعتقادی	
توانایی تأمین مخارج زندگی، شباهت خانواده‌ها از نظر اقتصادی و داشتن درآمد کافی.	ملاک اقتصادی	
شباهت فرهنگی خانواده‌ها، تشابه قومیتی و تشابه آداب و رسوم.	ملاکهای فرهنگی	ملاکهای زمینه‌ای
مشابه‌بودن خانواده‌ها، جایگاه اجتماعی مطلوب خانواده‌ها و داشتن قدرت حمایت مطلوب.	ملاکهای مربوط به خانواده همسر	
همسانی در ارزشهای اصلی و احترام گذاشتن به ارزشهای متفاوت.	ملاکهای ارزشی	
پایبندی به نظام، داشتن تفکر سیاسی واحد و شباهت عقاید سیاسی.	ملاکهای سیاسی	

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

الف) ملاکهای فردی

ملاکهای فردی اولین طبقه از ملاکهای انتخاب همسر از دیدگاه معلمان مجرد بودند که شامل زیرمقوله‌های شخصیت، ویژگیهای ظاهری، سن، تحصیلات، باورهای مذهبی و ملاکهای اقتصادی‌اند و در ادامه در قالبی تبیینی به زیرمضامین آنها اشاره خواهد شد.

ملاکهای شخصیتی

ملاکهای شخصیتی برای همهٔ مشارکت‌کنندگان از اولویتهای مهم به‌شمار می‌آمد. تقریباً همه مشارکت‌کنندگان مهربان بودن، عصبی نبودن، مسئولیت‌پذیر بودن، صداقت داشتن، صبور بودن و منطقی بودن را از ملاکهای مهم همسر آینده خود مطرح کردند؛ برای بعضی مهم بود که علاوه براین همسرشان شوخ‌طبع باشد، جدی و خشک نباشد، شخصیت منعطفی داشته باشد، خیلی متعصب نباشد، خیلی هم اهل نصیحت نباشد، مغرور باشد، دم‌دست نباشد و در روابطش دارای حریم و مرز و انتقادپذیر باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان ملاک تمایزیافتگی همسرش را مطرح کرد و تمایل داشت همسرش فردی تمایزیافته باشد. برای عده ای مهم بود که همسر آینده‌شان از لحاظ ویژگیهای شخصیتی شبیه خودشان باشد و چند نفر نیز دوست داشتند ویژگیهای شخصیتی آنها مکمل هم باشد؛ بعضی از دختران نیز دوست داشتند با همسرشان تناسب شخصیتی داشته باشند. یکی از مشارکت‌کنندگان تمایل داشت همسرش از لحاظ شخصیتی، شبیه پدرش باشد، چون پدرش را فردی صبور، منطقی، مهربان و بااخلاق می‌دانست. برای یکی از مشارکت کنندگان هم مهم بود همسرش دعوایی، لاابالی و سیگاری نباشد.

«برای من مهم است که همسرم شخصیت صبوری داشته باشد و انتقادپذیر باشد و جدی و خشک نباشد، چون من از آدمهای خشک خوشم نمی‌آید» (مشارکت‌کننده ۳).

«یکی از ویژگیهایی که دوست دارم همسر آینده‌ام داشته باشد، این است که سعه‌صدر داشته باشد و دیر عصبانی شود؛ من چون خودم آدم حساسی هستم و زود ناراحت می‌شوم دوست دارم همسرم زود عصبی نشود، چون آنوقت دیگر نمی‌شود زندگی کرد» (مشارکت‌کننده ۱۰).

برای بعضی از مشارکت‌کنندگان اهمیت داشت همسرشان، شور و هیجان داشته باشد و بی‌حوصله نباشد؛ اهل رفت‌وآمد با دوستان، غیر از روابط خانوادگی باشد؛ اهل مسافرت و گشت-وگذار باشد؛ ولخرج باشد و استقلال فکری داشته باشد و بین زندگی خودش و زندگی خانواده‌اش مرز قائل باشد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

«من خیلی در مسائل دیگران سرک نمی‌کشم و دوست دارم همسرم هم همین‌طور باشد، یعنی خاله‌زنک نباشد. من خودم برای خودم تصمیم می‌گیرم و دوست دارم طرف مقابلم هم همین‌طور باشد و تحت تأثیر جو قرار نگیرد» (مشارکت‌کننده ۹).

ویژگیهای ظاهری

اکثر مشارکت‌کنندگان رضایت از ویژگیهای ظاهری، مثل قد، چهره، صدای خوب و اندام موردپسند را مطرح کردند و زیبایی ظاهری از نظر آنها شامل جذابیت و به‌دل‌نشستن و تناسب اندام بود. بعضی از دختران در مورد ویژگیهای ظاهری به دل نشستن طرف مقابل را مطرح کردند و دوست داشتند به طور کلی فرد موردنظر به دل آنها بنشیند. برای بعضی نیز مهم بود همسر آینده آنها چاق نباشد، خوش صدا و قد بلند باشد.

«ازلحاظ ظاهری هم معیارهایی دارم، قد و قامت و اندام و چهرهٔ طرف باید مورد پسندم باشد»(مشارکت‌کننده ۱۵).

«برای من صدای فرد حتی از چهره مهم‌تر است، حالا نمی‌دانم چقدر این حرف من منطقی است ولی برای من مهم است؛ یعنی شخصیتهای خوش‌صدا را بیشتر می‌پسندم تا خوش‌چهره، خیلی از افراد را به خاطر صدای بدشان رد کرده ام» (مشارکت‌کننده ۱۳).

سن

در ملاکهای سنی، اکثر دختران فاصله سنی میان سه تا پنج سال را ترجیح می‌دادند و همه دوست داشتند از همسرشان کوچک‌تر باشند. اکثر مشارکت‌کنندگان بیان کردند از ۱۸ سالگی به بعد، به طور جدی به ازدواج فکر کرده‌اند. دو تا از دختران بیان کردند از بچگی به ازدواج فکر می‌کرده‌اند. سه مشارکت‌کننده عقیده داشتند هرچه سن ازدواج بالاتر برود انتخاب سخت‌تر می‌شود چون ملاکها سختگیرانه‌تر و بیشتر می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان بهترین سن ازدواج را برای دختر، البته در صورت داشتن خواستگار خوب، ۱۸ تا ۲۰ سالگی می‌دانست و این با توجه به فرهنگ جامعه ایران که پسر به خواستگاری دختر می‌رود و معمولاً ازدواج به صورت سنتی است یعنی رابطه قبل از خواستگاری رسمی میان دختر و پسر کم است، که البته در حال حاضر این شیوه سنتی نیز دستخوش تغییراتی شده است، قابل توضیح است.

«من دوست دارم همسرم چهار، پنج سال از من بزرگ‌تر باشد؛ چون به نظرم پسرها به لحاظ عقلی دو، سه سال از دخترها پایین‌ترند و من با آدم‌های پخته‌تر بهتر کنار می‌آیم»(مشارکت‌کننده ۳).

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

تحصیلات

در مورد ملاکهای تحصیلی بیشتر مشارکت‌کنندگان اهمیت دادن به مطالعه را مهم‌تر از مدرک تحصیلی می‌دانستند، چهار تا از مشارکت‌کنندگان، هم مدرک دانشگاهی حداقل لیسانس و هم اهل مطالعه بودن برایشان اهمیت داشت. یکی از دختران دوست داشت همسر آینده اش متناسب با جامعه پیشرفت علمی داشته باشد و بعضی از مشارکت کنندگان دوست داشتند مدرک تحصیلی همسر آینده آنها از خودشان پایین‌تر نباشد.

«وقتی به تحصیلات همسرم فکر می‌کنم، مقطع تحصیلی همسرم برایم مهم است و علاوه برآن دوست دارم همسرم اهل مطالعه باشد و متناسب با جامعه پیشرفت علمی داشته باشد» (مشارکت‌کننده ۱).

باورهای مذهبی

اکثر مشارکت‌کنندگان عقیده به شبیه بودن عقاید دینی داشتند و باایمان بودن یکی از ملاکهای آنها بود و درصورت وجود بعضی تفاوتهای اعتقادی و مذهبی دوست داشتند به این تفاوتها احترام گذاشته شود. ملاکهایی که برای اعتقادات مذهبی مطرح شدند شامل راستگو بودن همسر، تهمت نزدن، نماز خواندن همسر، عدم استفاده از مشروبات الکلی، خمس دادن، حلال و حرام را در نظر گرفتن و شناخت عمیق نسبت به دین داشتن بود. یکی از دختران در مورد ملاکهای اعتقادی، ترجیح می داد که همسر آینده اش اخلاق اسلامی داشته باشد. از نظر او اخلاق اسلامی یعنی هر جا لازم است بخندد و هر جا لازم است اخم کند. کسی که اخلاق اسلامی داشته باشد همسرش را اذیت نمی‌کند و مایه آرامش اوست. بعضی از دختران دوست داشتند، هم همسر آینده شان از نظر اعتقادی شبیه خودشان باشد و هم خانواده همسر آنها اعتقادات شبیه به هم داشته باشند.

«من چون خودم آدم مذهبی هستم، دو تا چیز برایم خیلی مهم است: ایمان و اخلاق. البته در بحث ایمان،خیلی هم مذهبی نباشد چون تجربه به من نشان داده که پسرهایی که خیلی مذهبی هستند خیلی زود می‌خواهند تو را در چارچوب خودشان ببرند، خودشان اصولی دارند که تو را هم می‌خواهند شبیه همان اصول در بیاورند و قید و بندهایشان زیاد است»(مشارکت‌کننده ۱۰).

ملاکهای اقتصادی

ملاکهایی که مشارکت کنندگان در مورد مسائل اقتصادی مدنظر داشتند شامل موقعیت کاری خوب، داشتن شغل آبرومند، درآمد کافی که بتواند نیازهای یک زندگی را فراهم کند و داشتن برنامه‌ریزی برای آینده مالی زندگی بود. برای بعضی از مشارکت‌کنندگان مسائل مالی از اهمیت

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

پایینی برخوردار بود و در حد داشتن یک شغل و درآمدی که بتواند مخارج زندگی را تأمین کند خلاصه می‌شد، اما بعضی از دختران دوست داشتند همسر آینده آنها از نظر مالی در سطح بالایی باشد تا آنها در رفاه باشند.

«در مورد مسائل مالی برایم مهم است همسر آینده ام توانایی تأمین یک زندگی را داشته باشد و اهل کار باشد، از نظر اقتصادی به خانواده اش وابسته نباشد و برای زندگی برنامه داشته باشد و در مورد مسائل مالی دوراندیش باشد. خانواده‌های ما هم از نظر مالی به هم بخورند و تفاوت زیادی نداشته باشیم»(مشارکت‌کننده ۸).

ب) ملاکهای زمینه‌ای

ملاکهای زمینه‌ای دومین طبقه از ملاکهای انتخاب همسر از دیدگاه دختران معلم بودند که شامل زیرمقوله‌های ملاکهای فرهنگی، ملاکهای مربوط به خانواده همسر، ملاکهای ارزشی و ملاکهای سیاسی اند و در ادامه در قالبی تبیینی به زیرمضامین آنها اشاره خواهد شد.

ملاکهای فرهنگی

بیشتر دختران معلم شرکت‌کننده در این پژوهش دوست داشتند خانواده خودشان و همسر آینده‌شان از لحاظ فرهنگی شبیه هم باشند، برای بعضی یکسان‌بودن قومیتها هم مهم بود و بعضی نیز بررسی آداب و رسوم خانواده‌ها را جزء موارد مهم انتخاب خود قرار داده بودند چون معتقد بودند آداب و رسوم خانواده‌ها در زندگی آینده آنها خیلی تأثیرگذار است. بعضی از دختران در ملاکهای فرهنگی طرز راه رفتن، غذاخوردن، لباس پوشیدن و حرف زدن را هم مدنظر داشتند و برای آنها مهم بود. مشارکت‌کنندگان در مورد مهریه، خرید عروسی و مراسم ازدواج نیز که از آداب و رسوم فرهنگ ایرانی‌اسلامی است نظراتی متفاوت داشتند. برای اکثر مشارکت‌کنندگان مهریه و خرید عروسی و برپایی مراسم ازدواج از اهمیت پایینی برخوردار بود و مهریه را تضمین‌کننده خوشبختی و امنیت مالی نمی‌دانستند، خرید عروسی را به شکل رسم و با همان معیارها، مثلاً حضور همه اعضای خانواده در مراسم خرید عروسی، قبول نداشتند.

«شباهت فرهنگی بین ما برای من خیلی مهم است، مثلا نحوهٔ برخورد در مهمانیها، ما در مهمانی دور هم روی زمین می نشینیم، من دوست دارم همسرم هم با این فرهنگ آشنا باشد و برایش خیلی عجیب نباشد»(مشارکت‌کننده ۵).

«من به عنوان یک دختر امروزی که انتظار دارم حق اشتغال و تصمیم‌گیری در زندگی مشترک داشته باشم. ماهیت مهریه را قبول ندارم ولی از طرفی به خاطر شرایط عرفی باید باشد، ولی مهریه

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

سبک را انتخاب می‌کنم و به نظرم اگر زندگی دو نفر خوب پیش برود، مرد خودش داوطلبانه امنیت مالی را برای همسرش تأمین می‌کند؛ بدون اینکه با مهریه مجبور به پشتوانه مالی باشیم»(مشارکت‌کننده ۶).

«خرید عروسی را هم طبق رسم قبول ندارم لزومی ندارد که عروس همه چیز بخرد مثل لوازم آرایش و لباس و ... که شاید نیازی به آن نداشته باشد و یا برای خرید عروسی طبق رسم همه اعضای خانواده عروس و داماد حضور داشته باشند و داماد مجبور باشد برای آنها هم خرید کند. به نظر من خرید عروسی با توافق طرفین باشد و نیازی به حضور خانواده‌ها نیست. این رسوم تضمین کننده خوشبختی افراد نیست، حتی به خاطر بار مالی بالایی که دارد می‌تواند باعث مشکلات زیادی هم بشود»(مشارکت‌کننده ۵).

ملاکهای مربوط به خانواده همسر

با توجه به اهمیت نقش خانواده در فرهنگ ایرانی، اکثر مشارکت‌کنندگان بررسی وضعیت خانواده همسر را از ملاکهای خود اعلام کردند و دوست داشتند خانواده همسر آینده آنها از جایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار باشد. بعضی از دختران ترجیح می‌دادند خانواده خودشان و همسر آینده‌شان از نظر عقاید مذهبی شبیه هم باشند و در خانواده همسر، اعضای خانواده حامی یکدیگر باشند. باور بعضی از دختران این بود که ویژگیهای شخصیتی پسرها خیلی شبیه پدرانشان می‌شود. به همین دلیل بررسی ویژگیهای اخلاقی و شخصیتی خانواده همسر را در اولویتهای خود قرار می‌دادند. یکی از دختران عقیده داشت خانواده همسر جزء ملاکهای مهمش نیست و خیلی برای او اهمیت ندارد، همین که خانواده معمولی باشد که کارهای خلاف قانون نمی‌کنند مثلاً قاچاقچی نیستند، کفایت می‌کند. برای یکی از دختران مهم بود همسرش بتواند در تصمیم‌گیریها مستقل از خانواده‌اش عمل کند و به خانواده وابسته نباشد.

«به نظر من پسرها خیلی زود شبیه پدرشان می‌شوند، برای همین اول از خصوصیات پدرش می‌پرسم؛ چون دوستان من اکثراً می‌گویند که اخلاق پسر خیلی شبیه پدرش می‌شود و حتی بعضی از دوستانم می‌گفتند ما اوایل فکر می‌کردیم همسرمان یک پسر مدرن است و با پدرش فرق دارد بعد دیدیم اصلاً این طور نیست و دقیقاً شبیه پدرش است و کاملاً سنتی است»(مشارکت‌کننده ۳).

«من با توجه به اینکه در دوستان و اطرافیانم دیده ام که خانواده خیلی تاثیرگذار است خانواده همسرم برای من خیلی مهم است و دوست دارم خانواده‌های هر دوی ما به هم بخورند و هم سطح باشیم»(مشارکت‌کننده ۲).

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

ارزشها

اکثر مشارکت‌کنندگان دوست داشتند ارزشهای اصلی زندگی‌شان شبیه به هم باشند و در صورت تفاوت در ارزشها، به این ارزشهای متفاوت احترام گذاشته شود. ارزشهایی که از نظر آنها مهم بود شامل رشد و تکامل در زندگی، اهل مطالعه بودن به منزلهٔ یک ارزش در زندگی، احترام به یکدیگر، مذهبی بودن به عنوان یک ارزش، اهل ورزش بودن و رازداری.

«مطالعه یکی از ارزشهای مهم من در زندگی است که دوست دارم همسرم هم اهل مطالعه باشد و مطالعه جزء ارزشهایش باشد»(مشارکت‌کننده ۶).

ملاکهای سیاسی

برخی از مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که ملاکهای سیاسی شامل پایبندی به نظام، داشتن تفکر سیاسی واحد و شباهت عقاید سیاسی در انتخاب همسر آنها نقش دارد و آنها بیشتر تمایل دارند فردی را انتخاب کنند که از این ملاکها برخوردار باشد.

«تفکر سیاسی همسرم برایم خیلی مهم است، من به نظام پایبند هستم و دوست دارم همسرم هم همین طور باشد و این جزء ملاکهای مهم برای من است»(مشارکت‌کننده ۳).

بحث

در پژوهش کیفی حاضر با رویکرد تحلیل مضمون به بررسی ملاکهای انتخاب همسر در معلمان دختر مجرد پرداخته شده است. تجزیه و تحلیل بیانات معلمان دختر مجرد در مورد ملاکهای همسرگزینی منجر به شناسایی دو مضمون اصلی یعنی ملاکهای فردی (شخصیت، ویژگیهای ظاهری، سن، تحصیلات، باورهای مذهبی و وضعیت اقتصادی) و ملاکهای زمینه‌ای (ملاکهای فرهنگی، ملاکهای مربوط به خانواده همسر، ارزشها و ملاکهای سیاسی) شد که به تفصیل مورد تبیین قرار می‌گیرد.

ملاکهای شخصیتی اولین ملاک فردی استخراجی از تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان بودند که توأم با نه زیرمضمون آن یعنی مهربان بودن، عصبی نبودن، انتقادپذیری، جدی و خشک نبودن، مسئولیت‌پذیر بودن، صداقت داشتن، صبور بودن، منطقی بودن و پختگی شخصیت مورد شناسایی قرار گرفتند. ملاکهای شخصیتی یکی از اصلی‌ترین ملاکهایی اند که بسیاری از دختران و پسران برای انتخاب همسر مناسب بر آن تأکید دارند (برامباگ، بارن و آگیشتین[1] ،۲۰۱۴). هانت[2](۱۹۲۲)، در پژوهش خود تصریح کرده است که خلوص، صداقت و پختگی شخصیتی، از جمله معیارهای

1. Brumbaugh, Baren & Agishtein
2. Hunt

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

مهم افراد در انتخاب همسر هستند. معیارهایی که بسیاری از افراد در آستانه انتخاب و ازدواج مورد تأکید قرار می‌دهند. گانشتاد، تورنهیل و گارور–اپگار[1] (۲۰۰۵) نیز در پژوهش خود بر ملاکهای شخصیتی به‌منزلهٔ یکی از اصلی‌ترین ملاکهای انتخاب همسر در افراد گوناگون تأکید دارند. آنها بر این باورند که در فرهنگهای مختلف برخورداری از سلامت شخصیتی و ویژگیهای مطلوب و بهنجار در زمینه شخصیتی لازمه داشتن انتخاب موفق و سالم است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت یکی از عواملی که بر عملکرد زوجین در زندگی زناشویی و ثبات آن طی زمان تأثیرگذار است، ویژگیهای شخصیتی زوجین، میزان تناسب و همخوانی این ویژگیها با یکدیگر است. افراد در آستانه انتخاب و ازدواج سعی دارند فردی را انتخاب کنند که ویژگیهای شخصیتی بهنجاری دارد و از نشانه‌های شخصیتی نابهنجار به دور است، زیرا برخورداری از ویژگیهای سالم داشتن ارتباط موفق و به‌عکس ویژگیهای ناسالم مختل‌شدن روابط زوجی را موجب می‌شود. ضمن آنکه این افراد با آگاهی از ویژگیهای شخصیتی خود سعی می‌کنند فردی را انتخاب کنند که ویژگیهای شخصیتی‌اش با ویژگیهای شخصیتی خودشان همخوانی داشته باشد. مثلاً فردی که تا حدی از خصیصه سلطه‌گری برخوردار است همواره باید احتیاط کند که کسی را که انتخاب می‌کند سلطه‌گر نباشد، زیرا احتمال اینکه ارتباط مطلوب و متداومی با یکدیگر شکل بدهند در سطح بسیار پایینی قرار دارد.

ملاکهای ظاهری دومین ملاک فردی استخراجی از تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان بودند که توأم با چهار زیرمضمون آن یعنی تناسب اندام، بلندی قد، صدای خوب و متعادل و جذابیت ظاهری مورد شناسایی قرار گرفتند. باس و همکاران (۱۹۹۰) در پژوهش خود گزارش کرده اند که ظاهر جسمانی مطلوب و داشتن حداقلی از جذابیت جسمانی از ملزومات و ملاکهای ظاهری افراد در انتخاب همسرند و برای بسیاری از افراد این ملاکها از اولویتهای انتخاب همسر است. گانشتاد و همکاران (۲۰۰۵) نیز در پژوهش خود برخورداری از تناسب اندام و جذابیت ظاهری را به‌عنوان یکی از ملاکهای افراد در انتخاب همسر مورد تأکید قرار داده اند. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت ظاهر یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در انتخاب همسر است. هر فرد تلاش می‌کند کسی را انتخاب کند که از لحاظ ظاهری برای وی قابل پذیرش و یا جذاب باشد، البته جذابیت ظاهری از دیدگاه هر فردی متفاوت است. درصورتی که فرد انتخابی از جذابیت ظاهری کافی برخوردار نباشد

1. Gangestad, Thornhill & Garver-Apgar

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

رابطه شکل‌گرفته از موفقیت کارکردی چندانی برخوردار نخواهد بود و احتمال بروز نارضایتی از آن در سطح بالایی قرار دارد.

ملاکهای سنی سومین ملاک فردی استخراجی از تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان بودند که توأم با دو زیرمضمون آن یعنی بالای هجده سال بودن و نداشتن فاصله سنی زیاد مورد شناسایی قرار گرفتند. بونک و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهش خود گزارش کرده اند که افراد در انتخاب همسر به سن طرف مقابل نیز اهمیت می‌دهند. درواقع آنها تأکید کردند که برخی از افراد بر این عقیده اند که نباید فاصله سنی زیاد با همسر خود داشته باشند، در غیر این‌صورت با مشکلات زیاد در زندگی زوجی خود مواجه و از انتخاب خود پشیمان خواهند شد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که برخی از افراد سن طرف مقابل را در حکم یکی از ملاکهای ازدواج مورد تأکید قرار داده اند، یعنی تلاش دارند فردی را که انتخاب می‌کنند خیلی مسن نباشد و تفاوت سنی چندانی با آنها نداشته باشد. فردی که تلاش دارد همسر انتخابی خود را در بازه سنی خاصی انتخاب کند درصورتی که نتواند چنین فردی را بیابد و مجبور شود از این ملاک خود صرف نظر کند احتمال اینکه با نارضایتی در انتخاب و نهایتاً بروز آشفتگی مواجه شود، در سطح بالایی قرار دارد.

ملاکهای تحصیلی چهارمین ملاک فردی استخراجی از تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان بودند که توأم با سه زیرمضمون آن یعنی اهل مطالعه بودن، داشتن مدرک دانشگاهی و برخورداری از سواد آکادمیک مورد شناسایی قرار گرفتند. اونیل (۲۰۰۶) در پژوهش خود گزارش کرده است که برخی از افراد در انتخاب همسر بر ملاکهای تحصیلی تاکید دارند و سعی دارند فردی را انتخاب کنند که از سطح سواد مطلوب برخوردار باشد و مقطع تحصیلی برابری با آنها داشته باشد. مالکی (۲۰۰۹) نیز در پژوهش خود تصریح کرده است که برخی از افراد در آستانه ازدواج سعی دارند کسی را انتخاب کنند که از تحصیلات دانشگاهی برخوردار باشد و دارای حداقلی در این زمینه باشد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت امروزه تحصیل یکی از اصلی‌ترین ابعاد زندگی است و افراد همواره تلاش دارند که در انتخاب همسر خود این ملاک را نیز مبنای بررسی قرار بدهند. برخی از افراد تلاش دارند که فردی را به‌عنوان همسر انتخاب کنند که اهل مطالعه باشد، دارای تحصیلات دانشگاهی باشد و از سواد مطلوب برخوردار باشد. درصورتی که این ملاکها در فرد انتخابی وجود نداشته باشد احتمال موفقیت پیوند این افراد در سطح پایینی قرار دارد.

ملاکهای اعتقادی پنجمین ملاک فردی استخراجی از تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان بودند که توأم با چهار زیرمضمون آن یعنی شباهت اعتقادی، پایبندی دینی، داشتن ایمان دینی و احترام به

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

تفاوتهای اعتقادی مورد شناسایی قرار گرفتند. بدادا وتیمان (۲۰۰۹) در پژوهش خود گزارش کرده اند که بسیاری از افراد در آستانه ازدواج، بهویژه افراد پایبند به باورهای دینی تلاش دارند کسی را به‌عنوان همسر انتخاب کنند که به اصول دینی پایبند و از لحاظ اعتقادی با آنها شباهت داشته باشد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت افراد تلاش می‌کنند شخصی را به‌عنوان همسر خود انتخاب کنند که از لحاظ اعتقادی و دینی شباهت زیاد با آنها داشته باشد. درصورتی که زوجین از لحاظ اعتقادی و دینی با یکدیگر همسویی نداشته باشند قطعاً در تعامل با یکدیگر، تربیت فرزند و تعامل با خانواده‌های هم با مشکل مواجه شده و ثبات پیوند زناشویی‌شان با خلل و تزلزل روبه رو خواهد شد، از این رو ضرورت دارد این ملاکها در انتخاب همسر مبنای بررسی قرار بگیرند و افراد سعی کنند همسو با آن گام بردارند. در غیر این‌صورت احتمال اینکه انتخابشان از موفقیت برخوردار باشد به شدت پایین می‌آید.

ملاکهای اقتصادی ششمین و آخرین ملاک فردی استخراجی از تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان بودند که توأم با سه زیرمضمون آن یعنی توانایی تأمین مخارج زندگی، شباهت خانواده‌ها از نظر اقتصادی و داشتن درآمد کافی مورد شناسایی قرار گرفتند. یکی از لازمه‌های تشکیل زندگی زناشویی و زوجی موفق، داشتن حداقلهای اقتصادی و برخورداری از شغل دائمی و توأم با حقوق مطلوب است. درواقع افراد سعی دارند کسانی را به‌عنوان همسر خود انتخاب کنند که شغل ثابتی داشته باشند و توانایی تامین حداقلی مایحتاج زندگی زناشویی را داشته باشند (بلک‌ول و لیچر[1]،۲۰۰۴). بدادا وتیمان (۲۰۰۹) نیز در پژوهش خویش تاکید کرده اند که ملاکهای اقتصادی از ملاکهایی هستند که دختران و پسران در انتخاب همسر آینده خود بر آن تاکید دارند. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که امروزه تشکیل زندگی زوجی و نهاد خانواده به سطحی از توانمندی اقتصادی نیاز دارد. افراد سعی دارند کسی را انتخاب کنند که دارای امنیت شغلی است و از لحاظ اقتصادی در وضعیتی قرار دارد که بتواند نیازهای زندگی زناشویی و خانوادگی را تأمین کند. در غیر این‌صورت در اداره زندگی زناشویی خود با مشکل و آشفتگی مواجه خواهند شد. لذا بدیهی است که ملاکهای اقتصادی همواره یکی از اصلی‌ترین ملاکهای افراد برای ازدواج باشد. در ضمن افراد سعی می‌کنند فردی را به‌عنوان همسر انتخاب کنند که در سطح اقتصادی مشابهی قرار داشته و از نظر اقتصادی با یکدیگر تفاوت چندانی نداشته باشند، زیرا در غیر این‌صورت با مشکلات اقتصادی و مدیریتی زیادی مواجه و عملکردشان در زندگی زناشویی با خلل همراه خواهد شد.

1. Blackwell & Lichter

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

دومین مجموعه از ملاکهای انتخاب همسر از دیدگاه دختران مجرد، ملاکهای زمینه‌ای بودند. ملاکهایی که تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان به شناسایی چهار مضمون اصلی آن یعنی ملاکهای فرهنگی، ملاکهای مربوط به خانواده همسر، ارزشها و ملاکهای سیاسی انجامید.

اولین ملاک زمینه‌ای حاصل از تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان ملاکهای فرهنگی بودند. عاملی که توأم با سه زیرمضمون آن یعنی شباهت فرهنگی خانواده‌ها، تشابه قومیتی و تشابه آداب و رسوم در جریان فرایند مصاحبه و تحلیل آن مورد شناسایی قرار گرفتند. بلک‌ول و لیچر (۲۰۰۴)، در پژوهش خود تصریح کرده اند که شباهت فرهنگی، قومیتی و اجتماعی خانواده‌ها با یکدیگر از جمله ملاکهایی هستند که افراد در انتخاب همسر بر آن تأکید دارند. یعنی افراد تلاش می‌کنند فردی را به‌عنوان همسر انتخاب کنند که از لحاظ فرهنگی، خانوادگی و اجتماعی با آنها شباهت زیاد داشته باشد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت فرهنگ و ابعاد آن مانند خانواده، قومیت و زبان بر عملکرد هر فرد تأثیر بسیار زیاد می‌گذارد و مسیر کارکردی زندگی وی را تا حد زیادی تعیین می‌کند. به همین دلیل افراد سعی می‌کنند فردی را انتخاب کنند که از لحاظ فرهنگی همسو و هماهنگ با آنها باشد. افرادی که فرهنگ، خانواده و قومیتشان تناسب چندانی با یکدیگر ندارد در تعامل با یکدیگر بیشتر دچار تنش می‌شوند و کمتر احتمال دارد از فرایند زندگی خود رضایت داشته باشند. از این رو تمایل به انتخاب فردی که از لحاظ فرهنگی با ما تشابه دارد، برای تشکیل زندگی زناشویی از خواسته‌های کاملاً بدیهی است.

دومین ملاک زمینه‌ای حاصل از تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان، ملاکهای مربوط به خانواده همسر بودند. عاملی که توام با سه زیرمضمون آن یعنی مشابه‌بودن خانواده‌ها، جایگاه اجتماعی مطلوب خانواده‌ها و داشتن قدرت حمایت مطلوب در جریان فرایند مصاحبه و تحلیل آن مورد شناسایی قرار گرفتند. اسکلار[1] (۲۰۱۶)، در پژوهش خود تصریح کرده است که برخی از ملاکهای ازدواج به خانواده فرد انتخابی مربوط می‌شوند. یعنی بسیاری از افرادی که قصد انتخاب همسر دارند، سعی می‌کنند فردی را انتخاب کنند که جایگاه اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی مشابهی داشته باشد و خانواده‌اش در ابعاد مختلف کارکردی با خانواده وی تناسب و همخوانی داشته باشد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت افراد تمایل دارند که خانواده همسرشان از ثبات کارکردی مطلوب برخوردار باشد، جایگاه اجتماعی مطلوب و قدرت حمایتگری بالایی داشته باشد. برخورداری از این عوامل نه‌تنها احتمال تشکیل زندگی زناشویی توأم با صمیمیت را تقویت می‌کند، بلکه احتمال

1. Sklar

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

بروز بدکارکردیهای زناشویی به‌ویژه مشکلات پیرامونی مانند مشکلات اقتصادی و اجتماعی را کاهش می‌دهد و به این‌شکل موفقیت پیوند زناشویی را تا حد زیادی تسهیل می‌بخشد. لذا بدیهی است که بسیاری از افراد سعی داشته باشند فردی را برای زندگی زناشویی انتخاب کنند که خانواده‌اش از جایگاه اقتصادی، اجتماعی و حمایتی مطلوب برخوردار باشد.

سومین ملاک زمینه‌ای حاصل از تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان، ملاکهای ارزشی بودند. عاملی که توأم با دو زیرمضمون آن یعنی همسانی در ارزشهای اصلی و احترام گذاشتن به ارزشهای متفاوت در جریان فرایند مصاحبه و تحلیل آن مورد شناسایی قرار گرفتند. فریمل، هالا و وینتر–امبر[1] (۲۰۱۳) در پژوهش خود تصریح کرده اند که افراد در انتخاب همسر سعی دارند کسانی را انتخاب کنند که دارای ارزشهای اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی مشابهی باشند. درواقع انتخاب فردی که ارزشهای همسو با ارزشهای ما دارد احتمال داشتن زندگی زوجی موفق را تا حد زیادی افزایش می‌دهد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت ارزشها مسیر زندگی را تعیین می‌کنند. برای مثال افرادی که بر ارزشهای اقتصادی متمرکزند مسیرهای اقتصادی را پیش می‌گیرند و سعی می‌کنند با حرکت در مسیر برنامه‌های اقتصادی داشتن زندگی سرشار از رفاه را برای خود ممکن سازند. همچنین افرادی که ارزشهای معنوی، اجتماعی یا خانوادگی دارند همسو با این ارزشها گام برمی‌دارند و سعی می‌کنند برنامه‌هایی همراستا با این ارزشها را تعیین کنند و با حرکت در مسیر آن، داشتن زندگی مطلوب را برای خود ممکن سازند. لذا کاملاً بدیهی است که افراد تمایل داشته باشند همسری را انتخاب کنند که از لحاظ ارزشی همسو با آنها باشد.

آخرین ملاک زمینه‌ای حاصل از تحلیل بیانات مصاحبه‌شوندگان ملاکهای سیاسی بودند. عاملی که توام با سه زیرمضمون آن یعنی پایبندی به نظام، داشتن تفکر سیاسی واحد و شباهت عقاید سیاسی در جریان فرایند مصاحبه و تحلیل آن مورد شناسایی قرار گرفت. با وجود جست‌وجوی بسیار پژوهش همخوان یا ناهمخوانی با این نتیجه یافت نشد و این یافته برای اولین بار در این پژوهش به دست آمده است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت امروزه سیاست یکی از ابعاد زندگی هر فرد است و خواه ناخواه بر فرایند زندگی زوجی و زناشویی افراد تأثیر می‌گذارد. افرادی که از تشابه و همسویی سیاسی برخوردارند بیشتر احتمال دارد رابطه‌شان با یکدیگر از صمیمیت برخوردار باشد. افراد از تأثیر باورهای سیاسی بر روند زندگی زناشویی آگاهی دارند، از این رو

1. Frimmel, Halla & Winter-Ebmer

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

بدیهی است که سعی داشته باشند فردی را انتخاب کنند که با خودشان همسویی سیاسی داشته باشد، تا بدین‌شکل احتمال موفقیت پیوند زناشویی خود را افزایش دهند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از پژوهش، به شناسایی دو طبقه از ملاکهای ازدواج یعنی ملاکهای فردی و ملاکهای زمینه‌ای انجامید. این یافته‌ها از یکسو منجر به بالا رفتن بینش افراد (به‌ویژه فعالان حوزهٔ خانواده و ازدواج) نسبت به ملاکهای دختران معلم مجرد نسبت به ازدواج شد. عاملی که زمینه را برای تدوین برنامه‌های راهبردی با هدف تسهیل فرایند ازدواج فراهم می‌کند. از سوی دیگر از طریق آشکارسازی ملاکهای مدنظر دختران معلم مجرد برای انتخاب همسر و ازدواج، زمینه را برای تدوین برنامه‌های اصلاحی با هدف بهبود ملاکهای ازدواج این گروه و هماهنگ‌سازی آن با واقعیتهای موجود و همچنین تسریع روند ازدواج فراهم کرد.

محدودیتها و پیشنهادها

تمرکز صرف بر معلمان دختر مجرد شهر تهران و شرکت ندادن سایر دختران و پسران مجرد در پژوهش حاضر از محدودیتهای این پژوهش بوده است که قدرت تعمیم یافته‌های پژوهشی را با خلل مواجه می‌کند. لذا پیشنهاد می‌شود که در مطالعات بعدی از یک‌سو موضوع موردنظر در میان دختران ساکن در سایر موقعیتها و بافتهای فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد، از سوی دیگر پسران مجرد نیز در نمونه شرکت داده شوند و ملاکهای انتخاب همسر از دیدگاه آنها نیز ارزیابی شود. مراکزی که در زمینه مشاوره پیش از ازدواج فعالیت دارند می‌توانند با توجه به ملاکهای استخراجی از پژوهش حاضر، برنامه‌هایی طراحی کنند که طی آن اولاً ملاکهای موجود را در افراد مورد بررسی، دقیقاً مشخص کنند و بتوانند آگاهی آنها را از اینکه چه کسی را می‌خواهند انتخاب کنند افزایش دهند، ثانیاً ابعاد واقع‌بینانه و غیرواقع‌بینانه ملاکهای موجود در آنها را بررسی و در فرایند گفت‌وگو زمینه را برای رفع و اصلاح آنها فراهم کنند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

منابع

آسنجرانی، فرامرز؛ جزایری، رضوان السادات؛ فاتحی‌زاده، مریم؛ اعتمادی، عذرا و دومول، یان (۱۳۹۷). اثربخشی برنامه مداخله ای اجتماع‌محور بازسازی زندگی بر سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه. *پژوهش‌های مشاوره، ۱۷* (۶۸)، ۴-۲۱.

علی‌مهدی، مسلم و قربانی، فائزه. (۱۳۹۴). نقش صدا و سیما در ارتقای سلامت: مطالعه‌ای برای صدا و سیمای مرکز خراسان رضوی. *فصلنامه تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۴(۳)، ۳۲۶-۳۳۸.

Abdullah, H. S., Li, L. P., & David, A. P. V. (2011). Gender differences in mate selection criteria among Malaysian undergraduate students. *SARJANA*, *26*(2), 33-50.

Acitelli, L. K., Kenny, D. A., & Weiner, D. (2001). The importance of similarity and understanding of partners' marital ideals to relationship satisfaction. *Personal Relationships*, *8*(2), 167-185.

Alavi, M., Alahdad, R., & Shafeq, S. M. (2014). Mate selection criteria among postgraduate students in Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *116*, 5075-5080.

Badahdah, A. M., & Tiemann, K. A. (2009). Religion and mate selection through cyberspace: A case study of preferences among Muslims. *Journal of Muslim Minority Affairs*, *29*(1), 83-90.

Blackwell, D. L., & Lichter, D. T. (2004). Homogamy among dating, cohabiting, and married couples. *The Sociological Quarterly*, *45*(4), 719-737.

Botwin, M. D., Buss, D. M., & Shackelford, T. K. (1997). Personality and mate preferences: Five factors in mate selection and marital satisfaction. *Journal of Personality*, *65*(1), 107-136.

Braithwaite, S. R., Coulson, G. L., Spjut, K., Dickerson, W., Beck, A. R., Dougal, K., … Jones, D. (2015). The influence of religion on the partner selection strategies of emerging adults. *Journal of Family Issues*, *36*(2), 212-231.

Brumbaugh, C. C., Baren, A., & Agishtein, P. (2014). Attraction to attachment insecurity: Flattery, appearance, and status's role in mate preferences. *Personal Relationships*, *21*(2), 288-308.

Buss, D. M. (1989). Sex differences in human mate preferences: Evolutionary hypotheses tested in 37 cultures. *Behavioral and Brain Sciences*, *12*(1), 1-14.

Buss, D. M., Abbott, M., Angleitner, A., Asherian, A., Biaggio, A., Blanco-Villasenor, A., … Yang, K.-S. (1990). International preferences in selecting mates: A study of 37 cultures. *Journal of Cross-cultural Psychology*, *21*(1), 5-47.

Buss, D. M., Shackelford, T. K., Kirkpatrick, L. A., & Larsen, R. J. (2001). A half century of mate preferences: The cultural evolution of values. *Journal of Marriage and Family*, *63*(2), 491-503.

Buunk, B. P., Dijkstra, P., Fetchenhauer, D., & Kenrick, D. T. (2002). Age and gender differences in mate selection criteria for various involvement levels. *Personal Relationships*, *9*(3), 271-278.

Choi, K. H., & Tienda, M. (2017). Marriage-market constraints and mate-selection behavior: Racial, ethnic, and gender differences in intermarriage. *Journal of Marriage and Family*, *79*(2), 301-317.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

Fletcher, G. J., Kerr, P. S., Li, N. P., & Valentine, K. A. (2014). Predicting romantic interest and decisions in the very early stages of mate selection: Standards, accuracy, and sex differences. *Personality and Social Psychology Bulletin, 40*(4), 540-550.

Frimmel, W., Halla, M., & Winter-Ebmer, R. (2013). Assortative mating and divorce in Austria: Evidence from Austrian register data. *Journal of the Royal Statistical Society, 176*(4), 907-929.

Gangestad, S. W., Thornhill, R., & Garver-Apgar, C. E. (2005). Adaptations to ovulation: Implications for sexual and social behavior. *Current Directions in Psychological Science, 14*(6), 312-316.

Guo, Q., Feng, L., & Wang, M. (2017). Chinese undergraduates' preferences for altruistic traits in mate selection and personal advertisement: Evidence from Q-sort technique. *International Journal of Psychology, 52*(2), 145-153.

Hancock, J. G. D. (2014). *Where is the money honey?: The socioeconomic effects on mate choice.* Available at: http://jrscience.wcp.muohio.edu/humannature00/FinalArticles/WherestheMoneyHoney.TheSoA.html

Hunt, H. R. (1922). Matrimonial views of university students. *Journal of Heredity, 13*(1), 14-21.

Lewis, K. (2016). Preferences in the early stages of mate choice. *Social Forces, 95*(1), 283-320.

Maliki, A. E. (2009). Determinants of mate selection choice among university students in south-south zone of Nigeria. *Edo Journal of Counseling, 2*(2), 165-174.

O'Neil, D. (2006). *Sex and marriage: An introduction to the cultural rules regulating sexual access and marriage. Overview: Part I.* Behavioral Sciences Department - Palomar College, accessed October 2, 2016, http://anthro.palomar.edu/marriage/marriage_1.htm .

Oppenheimer, V. K. (1988). A theory of marriage timing. *American Journal of Sociology, 94*(3), 563-591.

Prakash, R., & Singh, A. (2014). Who marries whom? Changing mate selection preferences in urban India and emerging implications on social institutions. *Population Research and Policy Review, 33*(2), 205-227.

Singh, D., & Young, R. K. (1995). Body weight, waist-to-hip ratio, breasts, and hips: Role in judgments of female attractiveness and desirability for relationships. *Ethology and Sociobiology, 16*(6), 483- 507.

Sklar, Q. T. (2016). *Narrative analysis on parent-child relational closeness, acculturation, and racial preference in mate selection among second-generation Asian Americans*. Unpublished doctoral dissertation, Rosemead School of Psychology. Biola University.

Zou, J. Y., Park, D. S., Burchard, E. G., Torgerson, D. G., Pino-Yanes, M., Song, Y. S., … Zaitlen, N. (2015). Genetic and socioeconomic study of mate choice in Latinos reveals novel assortment patterns. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America,* 112(44), 13621-13626.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1399.17.3.4.0]
[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-10]